

تحقیق میدانی (چیستی و چرایی)

sharaf@qabas.net

سیدحسین شرف‌الدین / دانشیار گروه جامعه‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۰۵ - پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۱۷

چکیده

تحقیق میدانی (Field Research/ field study)، یا اجرای تحقیق در یک میدان و قلمرو فرهنگی اجتماعی مشخص، نمونه‌ای از پژوهش موردی است که گاه به صورت سطحی و پنهانگر و گاه به صورت عمقی و ژرفانگر صورت می‌پذیرد. تحقیق میدانی از نوع تحقیقات کیفی و تکنیک غالب آن، در مقام شناخت عناصر موجود در میدان و گردآوری اطلاعات موردنظر، مشاهده همراه با مشارکت محقق است. در این نوع تحقیق، محقق مستقیماً با افراد مورد مطالعه ارتباط برقرار کرده، شخصاً در محیط حضور می‌یابد تا در یک محیط و فضای طبیعی، به مشاهده و ثبت وقایع و رویدادها بپردازد. این نوع پژوهش، در رشته‌های مختلف علوم اجتماعی، به ویژه در مطالعات مردم‌شناختی، روان‌شناسی اجتماعی، ارتباطات گروهی، آسیب‌شناسی اجتماعی، و برخی مطالعات کاربردی همچون مددکاری اجتماعی کاربرد فراوان دارد. این نوشتار در صدد است تا توصیفی نسبتاً جامع از این نوع پژوهش، ابعاد مختلف، اقتضات و الزامات و فرصت‌ها و محدودیت‌های آن به دست دهد.

کلیدواژه‌ها: پژوهش، میدان، روش کیفی، مشاهده، اکتشاف.

پژوهش میدانی از جمله پژوهش‌های پرسابقه و پرکاربرد در مطالعات اجتماعی و رفتاری است. همه مطالعاتی که به توصیف، تفسیر و تبیین وقایع و رویدادها، کنش‌های فردی و اجتماعی و فعل و انفعالات جاری و بالفعل، در یک متن اجتماعی و یک میدان کنش ساخت یافته، عطف توجه دارند، از این نوع پژوهش برای گردآوری داده‌های مورد نظر، از سطوح ظاهری محیط و اکتشاف ابعاد ناپیدای آن بهره می‌گیرند. نظر به اهمیت و اتقان این نوع مطالعه، بسیاری از دانشجویان و پژوهشگران برای کارآموزی، انجام تکالیف کلاسی، اجرای پژوهش، تطبیق نظریه‌ها و آزمون فرضیه‌های ارائه شده، این روش را ترجیح می‌دهند و نتایج یافته‌های خود را در قالب پروژه، پایان‌نامه، مقاله و گزارش تحقیق انعکاس می‌دهند.

قدیمی‌ترین نمونه‌های این نوع پژوهش، وقایع نگاری‌ها، سفرنامه‌ها، گزارشات مبلغان مذهبی، تجار، سیاحان، و نمایندگان سیاسی دولت‌ها از مناطق محل مأموریت و تردد خود بود. اولین نمونه‌های آکادمیک، روشمند و دارای استانداردهای نسبتاً قابل قبول از این نوع مطالعه، پژوهش‌هایی است که در قرن نوزدهم توسط مردم‌شناسان و با بررسی زندگی روزمره و فرهنگ انضمامی مردمان بومی و جوامع پیشامدرن، به صورتی ژرفانگر و مشاهده مستقیم و مشارکتی صورت پذیرفت. مکتب جامعه‌شناسی شیکاگو در آمریکا، اولین مکتبی است که به‌طور گسترده از تحقیقات میدانی و مشاهدات مشارکتی در انجام پژوهش‌های اجتماعی بهره گرفت. این پژوهش‌ها، عمدتاً در چارچوب نظریه کنش متقابل نمادین صورت می‌گرفت. پژوهشگران در این نوع مطالعه، مشاهده گروه‌های هدف در زیستگاه طبیعی‌شان، گفت و شنود با آنها، گردآوری اطلاعات مورد نظر و ثبت اوضاع و احوال زندگی معمول و عناصر و وقایع محیطی آنها تأکید داشتند.

برخی محققان اجتماعی، بر این باورند که تحقیق میدانی عمدتاً برای مطالعه مسائلی که هنوز به درستی مشخص و بیان نشده‌اند، مناسب است. به عبارت دیگر، روشی در خور برای مطالعه مسائل خام تحقیقی است. برخی دیگر، مطالعه میدانی را تنها روش حقیقی مطالعه رفتار انسان و جامعه، بدون موانعی که روش‌ها و فنون مصنوعی دیگر در راه مطالعه ایجاد می‌کنند، به‌شمار آورده‌اند. گفتنی است که ویژگی‌های شخصی محقق نیز در انتخاب روش نقش قاطعی دارد. از این‌رو، در مطالعه میدانی، محقق باید از توانایی‌های لازم در برقراری ارتباط با مردم، ورود به دنیای دیگران، بی‌آنکه تأثیر زیادی بر محیط تحقیق بگذارد، برخوردار باشد و یا بتواند در حین مطالعه چنین توانایی را در خود بپروراند (آل بیکر، ۱۳۷۷، ص ۳۰۱).

برخی روش‌شناسان، در توصیفی جامع از این نوع پژوهش، می‌نویسند:

تحقیق میدانی بیشتر مورد توجه کسانی است که به مشاهده مردم یا اتخاذ رهیافتی انعطاف‌پذیر در زمینه انجام تحقیق علاقه‌مند هستند. افزون بر آن، گزارش‌های تحقیق میدانی می‌تواند تبیین‌های جالبی درباره دنیاهای اجتماعی ارائه کند که شامل افراد بی‌خانمان، گروه‌های پلیس، اتاق‌های انتظار و

مجموعه‌های هنری و نظایر آن باشد. در تحقیق میدانی، محقق به‌طور مستقیم به گفت‌وگو و مشاهده افراد می‌پردازد. در ضمن تعاملی که محقق در طی سال‌ها و ماه‌ها با این قبیل افراد دارد، در زمینه‌های گوناگونی همچون تاریخچه زندگی افراد، سرگرمی‌ها و علایق، عادت‌ها، امیدها، هراس‌ها و رؤیاهای آنها به یادگیری می‌پردازد. محقق در این مطالعه افراد جدیدی را ملاقات می‌کند، دوستی‌هایی را گسترش می‌دهد و دنیا‌های اجتماعی جدیدی را کشف می‌کند که می‌تواند سرگرم‌کننده و آموزنده باشد (ایمان و غفاری نسب، ۱۳۸۵، ص ۱۴).

مطالعه میدانی نیز همچون مطالعه پیمایشی، موردی و قوم‌نگاشتی، مطالعه‌ای توصیفی - تبیینی است. هرچند به لحاظ سطح توصیف و تبیین، از عمق و غنای بیشتری برخوردار است.

چیستی پژوهش میدانی

از این شیوه پژوهشی، تعاریف متعددی ارائه شده که به برخی از رایج‌ترین آنها اشاره می‌شود:

۱. «تحقیق میدانی نه به روشی خاص، بلکه به محیطی - میدانی - اطلاق می‌شود که تحقیق در آن صورت می‌گیرد» (آل بیکر، ۱۳۷۷، ص ۲۷۴) «مطالعه مردمی است که در روند طبیعی زندگی روزمره خود عمل می‌کنند. پژوهشگر با جرأت وارد دنیای آنها می‌شود تا مستقیماً و [از طریق مشاهده و صحبت کردن با آنها] به چگونگی زندگی، روابط، کردارها و موضوعاتی که آنها را مجذوب یا پریشان می‌کند، به مطالب دست اول دست یابد» (نچمیاس، ۱۳۸۱، ص ۴۰۵).

۲. «تحقیقی تجربی است که درباره یک پدیده کنونی، در زمان معاصر، در چارچوب و بستر زندگی واقعی صورت می‌پذیرد. کاربرد این نوع تحقیق، زمانی است که نسبت بین پدیده و بستر (یا زمینه تحقیق) به صورت روشن مشخص نباشند» (از کیا و دربان آستانه، ۱۳۸۲، ص ۳۵۶).

از آرای روش‌شناسان چنین برمی‌آید که عنوان «تحقیق میدانی» نه نام یک روش خاص، که به محیط و میدانی اشاره دارد بلکه تحقیق در آن صورت می‌گیرد.

لازم به یادآوری است که مطالعه میدانی، مورد نظر هر چند با برخی دیگر از مطالعات کیفی همچون مطالعه موسوم به موردی (Case Study)، یا مطالعه تک‌نگاشتی و به اصطلاح مونوگراف (Monograph)، از حیث روش مشابهت دارد، اما از جهاتی نیز از آنها متمایز است. گستره و پهنایی بیشتر قلمرو بالقوه مطالعه در مقایسه با مطالعه موردی و عمق و ژرفایی کمتر، در مقایسه با مطالعه تک‌نگاشتی از جمله وجوه این تمایز است. از دید بیکر، تحقیق میدانی عام‌تر از مورد پژوهی است. در مورد پژوهی، محقق غالباً مطالعه خود را بر محیط میدانی منفردی متمرکز می‌کند، اما تحقیق میدانی، لزوماً به موارد منفرد محدود نمی‌شود (آل بیکر، ۱۳۷۷، ص ۲۷۶). گفتنی است تحقیق میدانی، خود انواعی با اقتضائات متفاوت دارد (ر.ک: خاکی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۵).

ویژگی‌های تحقیق میدانی

از جمله ویژگی‌های تحقیق میدانی، عمومیت کاربرد آن، برای اهالی علوم اجتماعی و مردم عادی است. به بیان برخی روش‌شناسان، ما در زندگی روزمره مدام به تحقیق میدانی مشغولیم. به عبارت دیگر، هرگاه رفتار اجتماعی را مشاهده می‌کنیم، یا در آن شرکت می‌جوئیم و می‌خواهیم از کم‌وکیف آن با خبر شویم، اعم از اینکه در گوشه‌ای از مطب پزشک نشسته باشیم، یا در اتوبوس، هواپیما یا در هر جای دیگر، به تحقیق میدانی می‌پردازیم. هرگاه مشاهدات خود را برای دیگران نقل کنیم، در حال گزارش تحقیق میدانی هستیم (بی، ۱۳۸۱، ص ۵۸۰).

از منظری دیگر، می‌توان مطالعه میدانی را روشی طبیعی با کمترین فنون رسمی، با هدف آشنایی با محیط، گردآوری، تحلیل و تفسیر داده‌ها، استنتاج و آزمون فرضیه‌ها و نظریه‌پردازی قلمداد کرد. از حیث بهره‌گیری از روش قیاسی و استقرایی نیز مطالعه میدانی، به دلیل کیفی بودن روش، ویژگی خاصی دارد. مطالعات کمی، معمولاً با بهره‌گیری از روش قیاسی و از طریق استنتاج فرضیه‌ها بر اساس نظریه و نیز استفاده از داده‌های گردآوری شده، در جهت آزمون آماری و ارزیابی فرضیه‌ها استفاده می‌شود. اما پژوهش کیفی، معمولاً با بهره‌گیری از روش استقرایی و استقرایی تحلیلی، ابتدا به گردآوری داده‌ها پرداخته و سپس، در فرایند مطالعه، فرضیاتی را بر اساس داده‌ها طرح می‌کند. فرضیه‌های استنتاج شده از داده‌های به دست آمده آزمون، بازنگری و جرح و تعدیل شده و سرانجام، به نظریه منتهی می‌شوند. این نظریه اصطلاحاً، «نظریه‌ای زمینه‌ای» خوانده می‌شود؛ زیرا با توجه به مکان، موقعیت و محیط خاص مورد مطالعه تولید و ارائه شده و مستقیماً به خاستگاه خود ارجاع دارد. البته برخی روش‌شناسان، تحقیق میدانی را به دلبلی، عرصه تجمع و آمیزش هر دو روش استقرا و قیاس می‌دانند: «در هیچ جا به اندازه تحقیق میدانی خوب استفاده متناوب از استقرا و قیاس مشهود و ضروری نیست» (بی، ۱۳۸۱، ص ۵۸۱).

همان‌گونه که اشاره شد، تحقیق میدانی از نوع تحقیق کیفی است. تحقیق کیفی، شامل هرگونه تحقیقی است که یافته‌های آن، از طریق روش‌های آماری یا سایر روش‌های کمی‌سازی قابل دسترس نباشند. محقق کیفی، علاقمند به مسئله معنا و تحقیق کیفی، مبتنی بر رویکرد تفسیری، تأویلی، ذهن‌گرا و برساختی است. هدف آن، درک این حقیقت است که افراد چگونه به زندگی، تجربه‌ها، ساختارها و رفتارهای اجتماعی خود معنا می‌دهند. روش‌های کیفی، معمولاً برای کشف حوزه‌های اساسی و بنیادینی که درباره آنها اطلاعات چندانی در دسترس نیست، یا اطلاعات موجود تازه و روزآمد نیستند، به کار گرفته می‌شوند. افزون بر اینکه، روش‌های تحقیق کیفی، بیشتر برای کسب اطلاعات دقیق و جزئی درباره پدیده‌هایی مانند عقاید، ارزش‌ها، احساسات و فرایندهای ذهنی و روانی به کار می‌روند که تأمین آنها، از سایر روش‌های مرسوم تحقیق، دشوار است. تحقیق کیفی، همچنین از منطلق استدلال استفهامی و استقرایی تبعیت می‌کند. در منطق استقرایی، محققان کیفی از سطح جزء (گردآوری داده‌ها)، به سطح کل (الگوسازی، نظریه‌سازی) حرکت می‌کنند؛ به این معنا که ورود محقق به میدان، یا بستر

مطالعه و آغاز به تحقیق در سطح مشاهده و گردآوری داده‌ها، یک فرایند استقرایی و تجربی تلقی می‌شود. با این حال، تحقیق کیفی صرفاً استقرایی نیست، بلکه تنها از استقرا آغاز می‌شود. محقق با حرکت از مرحله گردآوری داده‌ها به تحلیل و الگوییابی در بین شواهد و مدارک، به مرحله قیاس وارد شده و دست به نظریه‌سازی می‌زند. همچنین، در منطقی استدلال استفهامی، محققان کیفی به دیدگاه‌های آمیک (نگاه از درون) و بومی سوژه‌ها، یا بر ساخته‌های دست اول وابسته‌اند. آنها نظریه‌های خود را بر ساخته‌های دست دوم یعنی (مفاهیم و نظریه‌ها یا زبان تخصصی دانشمند اجتماعی) از همان ابتدا براساس دانش عامیانه یا عقل سلیم (برساخته‌های دست اول، مفاهیم کنش‌گران و زبان عامیانه مشارکت کنندگان) بنا می‌نهند. تفاوت استقرا با استفهام، در این است که در استقرا محقق به گردآوری داده‌ها پرداخته و سپس، دست به الگوییابی می‌زند، در حالی که در استفهام، محقق وارد دنیای ذهنی، نظام معنایی و میان ذهنیت‌های کنش‌گران شده و از رویکرد بومی آنها، با رویکرد آمیک دست به الگوییابی و نظریه‌سازی می‌زند. وی تنها با اتکای بنیادین به نقطه‌نظرهای سوژه‌ها، نظریه‌سازی کرده و حداقل استنباط‌های شخصی را در فرایند کار دخالت می‌دهد. تحقیق کیفی، همچنین از نوع توصیفی، تفهیمی و اکتشافی است (ر.ک: محمدپور، ۱۳۸۹، ص ۲۹-۳۴؛ کریسول، ۱۹۹۴، ص ۱۴۵؛ نیومن، ۱۹۹۷، ص ۲۳۷؛ بودون، ۱۳۶۹، ص ۸۶-۱۱۵؛ ازکیا و دربان آستانه، ۱۳۸۲، ص ۳۵۵). در تحقیق کیفی، عوامل انسانی به عنوان موجوداتی خلاق، پویا، فعال و دارای هدف و انگیزه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

مهارت‌ها و آمادگی‌های لازم

بی‌تردید انجام درست مطالعه میدانی، همچون سایر مطالعات، در گرو برخورداری محقق از برخی ویژگی‌ها و توانمندی‌های علمی و عملی است که به اقتضای نوع مطالعه ضرورت طرح می‌یابد. به اعتقاد برخی روش‌شناسان:

رفتن به میدان تحقیق بی‌شبهت به رفتن به سفری طولانی نیست. قبل از حرکت باید همه پیشامدهای احتمالی را در نظر گرفت تا در محیط نامألوف دست بسته (بدون وسیله لازم) نماند. درست مانند برنامه‌ریزی سفر باید فهرستی از احتیاجات تهیه کرده و سپس همه آنها را تدارک دید. بهترین کسی که در چنین مواردی می‌تواند به شما کمک کند کسی است که به کار میدانی مشابهی پرداخته باشد (آل بیکر، ۱۳۷۷، ص ۳۰۱).

از این رو، تأمین مقدماتی چند در انجام هر چه بهتر پژوهش میدانی، نقش تعیین‌کننده خواهد داشت:

- توان دستیابی و بررسی اسناد و مدارک، منابع آرشیوی، پژوهش‌های انجام شده، در خصوص محیط و گروه مورد مطالعه یا مطالعات و تحقیقات مشابه با مطالعه مورد نظر؛

- برخورداری از برخی اطلاعات کلی تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی، اجتماعی و آماری از محیط مورد مطالعه؛

- برخورداری از آمادگی‌های ذهنی، روحی، شناختی، مهارتی و سایر لوازم انجام پژوهش؛

- توان اعمال خلاقیت در طرح مسئله، میدان‌یابی، تهیه طرح، انتخاب روش، ارتباط با افراد، گردآوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل یافته‌ها، کشف و استخراج نتایج مورد نظر از یافته‌ها، تهیه گزارش؛

- برخورداری از مهارت لازم در برقراری ارتباط و تعامل صمیمانه، انجام مصاحبه، تدوین و اجرای پرسش‌نامه، مشاهدات مستقیم و غیرمستقیم، یادداشت‌برداری در صحنه، به کارگیری دوربین عکاسی و فیلم‌برداری، کامپیوتر و سایر فنون کسب و ذخیره اطلاعات، تکمیل یادداشت‌ها در بیرون از میدان. برخی روش‌شناسان، در اهمیت برخورداری محقق از مهارت‌های ارتباطی و نقش آنها در موفقیت وی معتقدند: موفقیت تحقیق کیفی، در گرو مهارت پژوهشگر در ایجاد ارتباط با دیگران است. از آنجا که اجرای تحقیق، به رابطه پژوهشگر با جامعه یا افراد مورد تحقیق بستگی دارد، داشتن مهارت‌های ارتباط با دیگران، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. ما به خود جرأت می‌دهیم که اگر پژوهشگری دارای مهارت‌های لازم در زمینه کنار آمدن با دیگران نباشد، اگر نتواند دیگران را تحمل کند و به حرف‌های آنان گوش ندهد و یا اگر نتواند در شرایط و اوضاع مختلف، خود را به جای دیگران بگذارد و احترامی برای دیگران قائل نباشد، صلاحیت انجام تحقیق را نخواهد داشت (مارشال و راس من، ۱۳۷۷، ص ۹۱).

- توان درک و تفسیر عناصر محیط (افراد، پدیده‌ها، رویدادها، کنش‌ها، علائم و نشانه‌ها) و ارتباطات درونی آنها. به بیان برخی روش‌شناسان، اگر پژوهشگری نتواند چارچوبی را که افراد مورد مطالعه در آن چارچوب، اندیشه‌ها، احساسات و عملیات خود را تفسیر می‌کنند، درک کند؛ هیچ‌گاه نمی‌تواند به درک رفتار انسانی آنها نایل آید. از این رو، پژوهشگر باید با ورود به دنیای ذهنی سوژه‌ها، این چارچوب‌ها [چارچوب‌های ذهنی افراد مورد مطالعه] را درک کند (مارشال و راس من، ۱۳۷۷، ص ۶۲).

عناصر و موضوعات قابل مطالعه

مطالعه میدانی، قاعدتاً در چارچوب یک میدان یا قلمرو جغرافیایی و اجتماعی، حضور موضوع یا تحقق رخداد مورد مطالعه (مثل یک بیمارستان، یک مدرسه، یک تیم ورزشی و...) صورت می‌گیرد. برای پیش‌گیری از هرگونه سوءفهم محتمل، انتخاب مدل میدان (متناسب با اقتضای موضوع، اهداف مطالعه، امکانات و محدودیت‌های پژوهش) و تعیین حدود و قلمرو آن، حتی اگر فی نفسه ابهامی نداشته باشد، ضروری تشخیص داده شده است. گفتنی است در صورتی که میزان شناخت ما از محیط مورد تحقیق نسبتاً کم باشد، تحقیق جنبه اکتشافی و در صورت شناخت دقیق محیط و مسئله، پژوهش جنبه توصیفی یا عملی می‌یابد).

بی‌تردید موضوع تحقیق، خود از جمله عوامل تعیین‌کننده میدان مطالعه است. برای نمونه، در جایی که موضوع تحقیق یک پدیده یا رویداد منفرد، همچون شبکه ارتباطات در یک بیمارستان خصوصی، یا الگوی آموزش در یک مدرسه و... است، میدان به تبع موضوع تعیین می‌یابد. در جایی که موضوع تحقیق، از سنخ فرایندها همچون تخلفات

رانندگی باشد، میدان نیز با عطف توجه به ملاحظات مختلف و برآورد امکانات و محدودیت‌ها، به یک گسترهٔ جغرافیایی خاص محدود می‌گردد. از دید برخی روش‌شناسان، وقتی که محقق حدود میدان تحقیقش را تعیین کرد، سه امکان پیش‌رو دارد: یا اطلاعاتش را از کل جمعیت، زیر پوشش این میدان تحقیق جمع‌آوری می‌کند، یا به نمونه‌ای معرف از این جمعیت اکتفا می‌کند و یا تنها برخی از مؤلفه‌های نوعی آن را که دقیقاً معرف کل نیستند، بررسی می‌کند. انتخاب یکی از سه امکان، امری نظری است؛ زیرا در اغلب موارد به اقتضای هدف‌های تحقیق یکی از این راه‌حل‌ها تمایل می‌شود (کیوی و کامپنهود، ۱۳۷۰، ص ۱۵۴).

پس از تعیین موضوع و میدان مطالعه، نوبت به تعیین عناصر و اقلامی می‌رسد که باید مشاهده و بررسی شوند. انواع چیزهایی که باید در میدان مورد توجه قرار داد، از این قرارند:

- محیط: محیط، گسترده‌ترین بُعد مطالعه میدانی است. هر مطالعهٔ میدانی، لاجرم در یک محیط صورت می‌گیرد، اگرچه ممکن است خود محیط موضوع اصلی مطالعه نباشد. محیط یا فیزیکی - اجتماعی و یا فیزیکی - طبیعی (توپوگرافی، آب و هوا، پوشش گیاهی و...)، گفتنی است که بیشتر مطالعات میدانی در علوم اجتماعی، در محل‌های معمولی زندگی و کار و استراحت مردم؛ یعنی در محیط فرهنگی - اجتماعی صورت می‌پذیرد؛

- سازمان‌های اجتماعی: بانک، مدرسه، شهرداری و...؛

- اشیای مادی: مطالعه میدانی، همچنین شامل اشیای مادی موجود در محیط نیز می‌شود. برای نمونه، در کلاس درس، ما با اسباب و اثاثیهٔ خاصی همچون میز، صندلی، تخته، نقشه و غیره مواجهیم. جایگاه و نحوهٔ چینش این اجزاء، معنا دار است. برای نمونه، میز معلم همواره در قسمت جلوی کلاس قرار می‌گیرد، چون در این صورت، بهتر می‌تواند نظارت و اشراف خود را بر کلاس اعمال کند؛

- مردم و مناسباتشان: مطالعات میدانی عموماً بر مطالعه مردم متمرکزند. هر میدانی، شامل افرادی است که متعلق بدان محیط‌اند و همچنین، افراد دیگری که بدانجا رفت و آمد می‌کنند، یا غریبه‌اند. آنچه عموماً در مطالعهٔ میدانی مردم مورد توجه قرار می‌گیرد، انواع روابط پیچیده‌ای است که در میان آنها جریان دارد. مردم، علاوه بر روابط متکثر و متنوعی (اعم از رسمی و غیر رسمی) که با یکدیگر دارند، روابط نسبتاً منظمی نیز با سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی دارند. مردم همچنین گونه‌های مختلفی از ارتباط را با طبیعت دارند. گفتنی است که افراد مورد مطالعه، این حق را دارند که اسامی‌شان محفوظ باقی بماند و محقق نیز غالباً ترجیح می‌دهد از اسامی مستعار برای معرفی سوژه‌های خود استفاده می‌کند (مگر در مواردی که شناخت آنها به شخصه موضوعیت داشته باشد)؛

- رفتارها، اعمال و فعالیت‌ها: محدودترین موضوع بررسی در مطالعات میدانی، رفتارهای خاص مثل رفتار معلم در کلاس درس است. مهم‌ترین نوع رفتار مردم، رفتارهای کلامی آنهاست. گفت‌وگوی مردم، هم توصیف وقایع

محیط است و هم تلاشی برای تبیین آنها. آنچه مهم است اینکه محقق باید به درک معانی رفتارها و اعمال کنش گران و رمزگشایی از آنها قادر باشد.

- وضعیت روانی: روان شناسان غالباً به مشاهده حالات روانی ابراز شده و رفتارهای هیجانی افراد مورد مطالعه مثل تبسم، خنده، شادی، خشم، افسردگی، علاقه مندند؛

- گروه‌ها و خرده گروه‌ها؛ مثل تیم‌های ورزشی، منتظران در ایستگاه اتوبوس، عابران پیاده؛

- فرایندهای اجتماعی مثل نظارت و کنترل اجتماعی؛

- وقایع و رخدادها مثل طلاق، مهاجرت، کشمکش؛

- تاریخچه‌ها: انسان شناسان و مورخان، غالباً با گردآوری داده‌های تاریخی، سعی دارند از گذشته میدان مطالعه خود اطلاعاتی کسب کنند؛

- موضوعات عام: عقاید و بینش‌ها، زبان‌ها و لهجه‌ها، آداب و رسوم، خلیات و منش‌ها، عادات رفتاری، فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌ها، سبک‌های زندگی، پایگاه‌ها و نقش‌ها، زیست جهان، رسانه‌های جمعی و اجتماعی مورد استفاده مردم (آل بیکر، ۱۳۷۷، ص ۲۸۲-۲۸۶؛ حافظ‌نیا، ۱۳۸۱، ص ۵۱؛ بیبی، ۱۳۸۱، ص ۵۸۹).

گفتنی است که در هر مطالعه میدانی، محقق به بررسی واحدها یا سطوح مختلفی از واقعیت می‌پردازد. یکی از روش‌شناسان در این باره می‌نویسد: شش روش متفاوت برای جست‌وجوی الگوها در این نوع تحقیق وجود دارد. برای نمونه، اگر علاقه‌مند به تحلیل بدرفتاری با کودکان در یک محله خاص هستید، موارد زیر راه‌هایی هستند که می‌توانید از مشاهدات خود کسب اطلاعات کنید:

۱. فراوانی‌ها: چند وقت یکبار در محله شما بدرفتاری با کودکان رخ می‌دهد؟ دقت کنید که ممکن است بین میزان واقعی بد رفتاری با کودکان و میزانی که ساکنان محل به شما می‌گویند، تفاوت وجود داشته باشد؛

۲. دامنه‌ها: بدرفتاری در چه سطوحی است؟ چه قدر بی‌رحمانه است؟

۳. ساختارها: انواع مختلف بدرفتاری چیست: بدنی، روانی، جنسی؟ آیا آنها با رفتار خاصی ارتباط دارند؟

۴. فرایندها: آیا ترکیبی در میان عناصر ساختار وجود دارد؟ آیا بدرفتاران، کارشان را با بدرفتاری روانی شروع

می‌کنند و با بدرفتاری بدنی و جنسی ادامه می‌دهند، یا ترتیب عناصر متفاوت است؟

۵. علل: علل بدرفتاری با کودکان چیست؟ آیا بدرفتاری در طبقات اجتماعی، یا در ادیان یا در گروه‌های قومی

خاصی رایج‌تر است؟ آیا این کار، بیشتر در اوقات خوش رخ می‌دهد، یا در اوقات بد؟

۶. پیامدها: بدرفتاری با کودکان در کوتاه‌مدت و بلندمدت، چه تأثیراتی بر کودکان بر جای می‌گذارد؟ همچنین

این بدرفتاری‌ها، چه تأثیراتی بر شخصی که با کودک بدرفتاری می‌کند؛ برجای می‌گذارد؟ (بیبی، ۱۳۸۱، ص ۶۲۰).

گفتنی است که محقق پیش از ورود به میدان، نیازمند کسب مجموعه‌ای از اطلاعات پیشینی است. این اطلاعات، عبارتند از: ۱). مطالعات میدانی در مورد محیط‌های مشابه و در صورت امکان؛ ۲). مطالعاتی دربارهٔ افرادی شبیه اشخاصی که محقق در پی مشاهدهٔ آنهاست؛ ۳). مطالعاتی که قطع نظر از میدان مورد مطالعه، از همان روش مورد نظر استفاده کردند؛ ۴). اطلاعات عمومی که ممکن است پیش از ورود به میدان مطالعه، اطلاعات زیادی دربارهٔ موضوع تحقیق در اختیار محقق قرار دهد؛ ۵). آثار ادبی یا مطبوعاتی که ابعاد میدان مورد نظر را تشریح کرده، چه بسا ذهن محقق را برای عملکرد مؤثرتری در میدان روشن سازد. علاوه بر خواندن اطلاعات منابع خارجی، بهتر است با افرادی گفت‌وگو کرد که با بعدی از موضوع تحقیق آشنا هستند. همچنین، باید سعی کرد از افراد محیط مورد نظر که می‌توانند در تدارک ورود به میدان و تصمیم‌گیری، دربارهٔ نحوهٔ پیشبرد تحقیق کمک کنند، تصویری از میدان به دست آورد (آل بیکر، ۱۳۷۷، ص ۲۸۸). لازم به یادآوری است که طبیعی‌ترین و پایاترین صورت تحقیق میدانی، این است که گروه هدف از اینکه در معرض مطالعه‌اند، بی‌اطلاع باشند زیرا در صورت آگاهی، یا مخالفت می‌کنند یا به رفتارها و عکس‌العمل‌های تصنعی و نمایشی سوق می‌یابند. از سوی دیگر، از آنجا که این نوع مطالعات، غالباً مستلزم عکس‌برداری، فیلم‌برداری، ضبط صدا و برخی دخل و تصرفات محیطی است، بی‌اطلاع نگه داشتن افراد، معذورات اخلاقی دارد. گفتنی است که پیوستن محقق به افراد مورد مطالعه گاه، واقعی و گاه وانمودی است. طبیعی است که آثار مترتب بر این دو نوع، می‌تواند متفاوت باشد. برای نمونه، ورود محقق به یک بیمارستان، به عنوان بیمار یا پرستار، در جلب توجه و اعتماد سایر بیماران بسیار مؤثرتر از آن است که به عنوان یک محقق (یا غریبه) وارد شود (ر.ک: ارل بی، ص ۵۹۸-۵۹۵).

روش‌های مطالعه میدانی

مؤلفه‌های اصلی در تحقیقات کیفی، عموماً در تحقیق میدانی به خصوص داده‌ها و یافته‌هایی است که از مجرای روش‌ها و تکنیک‌های خاصی گردآوری شده است. اهم این روش‌ها، عبارتند از: مشاهده، به ویژه مشاهدهٔ مشارکتی، یادداشت‌برداری، مصاحبه، گفت‌وگو، تحلیل محتوای کیفی، تحلیل نشانه‌ها، تحلیل گفتمان، بررسی نقشه‌ها، نمودارها، عکس‌ها، فیلم‌ها، صداها و اشیاء. داده‌های کیفی، عموماً از واژه‌ها و کلمات، عکس‌ها، تصاویر، صداها، رفتارها، نمادها و نشانه‌ها تشکیل شده و معمولاً بنا به اهمیت ساخت نایافته‌اند.

در انجام مطالعهٔ میدانی، ظاهراً هیچ فرمول ویژه‌ای برای هدایت مراحل مختلف کار وجود ندارد. خلاقیت در این عرصه نیز همچون سایر مطالعات، حرف اول را می‌زند. رویهٔ معمول و مورد توصیه، این است که پژوهشگر با حضور در محیط و با شرکت در زندگی روزانه افراد مورد مطالعه، فعالیت پژوهشی خود را با هدف اکتشاف اطلاعات متنوع، آغاز کند. از این رو، روش کار و وظایف پژوهشی محقق، در انجام این مهم از انعطاف بسیار زیادی برخوردارند که قاعدتاً خلاقیت و میزان درک محقق از حساسیت‌های محیط و افراد مورد مطالعه در گزینش روش‌های مناسب،

نقش تعیین کننده‌ای دارد. در عین حال، روش‌های کم و بیش نظام‌مند و اطمینان بخشی برای ورود به میدان، مشاهده وقایع و گردآوری اطلاعات توصیه شده که اهم آنها عبارتند از:

۱. مشاهده مستقیم: مشاهده‌ای که در آن محقق، شخصاً و بدون واسطه دیگران، و حتی بدون واسطه اسناد، اطلاعات مورد نظر را جمع‌آوری می‌کند. این مشاهده، وقتی صورت می‌گیرد که اطلاعات خواسته شده مستقیماً در معرض دید باشند. در این روش، پژوهشگر نیازی ندارد تا دربارهٔ کنش‌های سوژه‌ها و واقعیت‌های محیط، از افراد سؤال کند. او از طریق مشاهده، می‌تواند پدیده‌ها را همان‌گونه که در وضع طبیعی جریان دارند، مشاهده و توصیف کند. مشاهده مستقیم، به ویژه در صورتی که افراد از مورد مشاهده قرار گرفتن خود آگاه نباشند، یا با مشاهده‌گر خوگرفته و او را مزاحم نینگارند؛ می‌تواند واقعیت را در شرایط کاملاً عادی و عاری از هر نوع تصنع آشکار سازد. محقق برای این مشاهده، تنها به یک راهنمای مشاهده نیاز دارد که بر مبنای شاخص‌های خاصی، طراحی شده و عناصری را که مایل به مشاهده و بررسی آنهاست، در آن مشخص شده باشند. محقق، می‌تواند اطلاعات دریافتی را در صحنه و پس از خارج شدن از آن، یادداشت کند و افراد موضوع مشاهده در تولید و القای اطلاعات یافت شده، دخالت تعیین کننده‌ای ندارند.

روش مشاهده مستقیم، به ویژه برای شناسایی رفتارهای غیر زبانی، همچون علایم و آثار ظاهری و نشانه‌های فیزیکی، حرکات و ژست‌های نمادین، کنش‌های نهادی شده، سنت‌ها و رسوم عادی، آیین‌ها و مناسک، الگوها و قواعد رفتاری، سبک‌های زندگی، خلیقات آشکار، سازمان‌ها، گروه‌ها و دسته‌جات نشانه‌دار، اماکن، اشیای مادی و مانند آنها، از اهمیت و کارایی بالایی برخوردار است. لازم به یادآوری است که مشاهدات محقق، علاوه بر امکان‌دهی به گردآوری داده‌های مناسب، معمولاً درجاتی از استنباط ضمنی و شهود معانی پنهان را نیز میسر می‌سازد. به بیان برخی روش‌شناسان، وقتی فردی مشاهده می‌کند که سالمندی، بچه‌ای را کتک می‌زند، باید استنباط کرد که این عمل بیانگر چیست؟ «خشونت»، «سرخوردگی»، «دشمنی» یا «تعدی» ضارب. درستی چنین استنباطی نیازمند توانایی و شایستگی، مشاهده‌گر است.

مشاهده مستقیم، معمولاً به دو روش «مشاهده توأم با مشارکت» و «مشاهده بدون مشارکت» صورت می‌گیرد. مشاهده توأم با مشارکت، از نوع مردم‌شناختی آن، مشاهده‌ای است که در آن محقق به مدت نسبتاً طولانی در زندگی مردم مورد مطالعه، مشارکت کرده، و از نزدیک به مطالعه احوالات محیط و بررسی جزئیات زندگی مردم مورد مطالعه می‌پردازد. مشارکت یا حضور فعال محقق در مکان یا جامعه مورد تحقیق، این امکان را فراهم می‌آورد تا پژوهشگر با واقعیات مورد نظر ارتباط نزدیک برقرار کرده و حقایق محیط را بی‌واسطه لمس کند، دیدنی‌ها را ببیند، شنیدنی‌ها را بشنود، خواندنی‌ها را بخواند، مبهمات را بپرسد و دریافت‌ها را با ارجاع به مستندات عینی، تجزیه و تحلیل کند. کمال مطلوب در این نوع مطالعه، این است که محقق با حوصله و سعه‌صدر کافی و با

بهره‌گیری مناسب از همه فنون و شیوه‌های ممکن، به مطالعه و تحلیل دقیق حوزه مطالعه بپردازد و از همه ظرفیت‌های محیطی، در انجام هرچه بهتر این مهم بهره ببرد. بی‌شک، بی‌تجربگی، ضعف مهارت، شتابزدگی، عدم تمهید لوازم، فقدان یا کمبود امکانات ضروری، مانع انجام درست این نوع تحقیقات خواهد بود. بر اساس چنین مشاهداتی، منطق اجتماعی و فرهنگی رفتارهای گروه‌های مطالعه شده، به شکل بارزی آشکار خواهد شد و فرصتی خواهد بود برای آزمون فرضیه‌های تحقیق و شاید حک و اصلاحشان (ر.ک: کیوی و کامپنهود، ۱۳۷۰، ص ۱۹۳).

۲. مشاهده بدون مشارکت: در این روش، محقق بدون مشارکت مستقیم و صرفاً با نگاه از «بیرون»، قلمرو مورد نظر خود را در یک موقعیت مکانی و مقطع زمانی مشخص (کوتاه‌مدت یا بلندمدت)، با آگاهی قبلی اشخاص مورد مشاهده یا بدون آگاهی قبلی آنها، با استفاده از ابزارها و فنون خاص مورد مشاهده قرارداد و اطلاعات موردنظر را گردآوری و تحلیل می‌کند. این نوع مشاهده، در مقایسه با مشاهده مشارکتی، به زمان و امکانات کمتری نیاز دارد و بالطبع از دقت، اتقان و اعتبار و غنای کمتری برخوردار است.

۳. مشاهده غیرمستقیم: وضعیتی که در آن محقق، برای کسب اطلاعات مورد نظر به «شخص یا اشخاص موردنظر» مراجعه می‌کند، و آنها با پاسخ به پرسش‌های محقق در قالب مصاحبه، گفت‌وگوی عادی، یا پر کردن پرسش‌نامه در تولید اطلاعات مورد نیاز، مشارکت می‌جویند. نظر به اهمیت دو روش مصاحبه و پرسش‌نامه در این نوع مطالعات، بیان آنها در شمار سایر روش‌های گردآوری اطلاعات، در مطالعات میدانی خالی از فایده نیست. لازم به یادآوری است که گستره میدان و قلمرو مشاهده محقق را اهداف، امکانات و مقدرات او تعیین می‌کنند.

گفتنی است که محقق میدانی، یا در نقش مشاهده‌گر تام (بدون مشارکت) ظاهر می‌شود، یا در نقش مشاهده‌گر مشارکت‌کننده (اساساً مشاهده‌گر است، اما تا حدی در فعالیت‌های محیط نیز شرکت می‌کند)، یا در نقش مشارکت‌کننده مشاهده‌گر (اساساً مشارکت‌کننده است و در ضمن به مشاهده هم می‌پردازد)، یا در نقش مشارکت‌کننده تام (در این حالت نمی‌توان از یادداشت، مصاحبه و سایر فنون تحقق سود جست) (آل بیکر، ۱۳۷۷، ص ۳۰۱).

۴. مصاحبه: مصاحبه به عنوان یک جریان مبادله واقعی، روشی است که محقق از طریق تماس مستقیم با مخاطبانش و با مختصر رهنمودی از سوی وی، به گردآوری و ثبت اطلاعات مورد نظر می‌پردازد. در تحقیق اجتماعی، روش مصاحبه همواره با یک روش تحلیل محتوا همراه است. در جریان مصاحبه، هدف اصلی این است که حداکثر عناصر اطلاعاتی و عناصر فکری، از سخنان طرف مصاحبه بیرون کشیده شود. این عناصر اطلاعاتی و فکری، ماده اولیه برای تحلیل محتوای سیستماتیک را فراهم می‌سازد و آنها نیز به نوبه خود، زمینه‌ساز تبیین خواهند بود (کیوی و کامپنهود، ۱۳۷۰، ص ۱۹۱). تکنیک مصاحبه انواعی دارد که در منابع روش‌شناختی، به تفصیل از آن سخن رفته است.

۵. پرسش‌نامه: پرسش‌نامه روشی است که در آن محقق با طرح مجموعه‌ای از سؤالات منظم و جهت‌دار، برای جمعی از پاسخ‌گویان، که غالباً معرف یک جمعیت وسیع‌ترند، به گردآوری اطلاعات مورد نظر می‌پردازد. پرسش‌نامه نیز به دو شیوه «مستقیم» یا «غیرمستقیم» مورد استفاده قرار می‌گیرد. پرسش‌نامه زمانی غیرمستقیم است که پرسش‌گر خود آن را بر اساس گفت‌وگو با پاسخ‌گو و در چارچوب طرح پرسش‌ها و پاسخ‌های رویاروی، تنظیم و تکمیل کند. و وقتی مستقیم است که پاسخ‌گو خود شخصاً آن را تکمیل و به سؤالات مندرج در آن پاسخ گوید.

توصیه اکید روش‌شناسان این است که محقق در همه این مراحل، باید با بهره‌گیری مناسب از ابزارها و وسایل لازم به ثبت و ضبط دقیق اطلاعات اقدام کند. یادداشت‌برداری به موقع، ضبط صداها و تصاویر، ثبت نکات استنباطی و ذخیره‌سازی اطلاعات طبقه‌بندی شده، از جمله این موارد است.

محقق در مطالعه میدانی، در چهار سطح به تهیه یادداشت‌های مورد نیاز می‌پردازد:

۱. یادداشت‌های سریع در میدان: نوشتن یادداشت‌های منظم در میدان تحقیق، تقریباً ناممکن است. محقق باید سعی کند به‌گونه‌ای که از مشاهده پدیده‌ها، رویدادها، رفتارها، اشیا و افراد حاضر در میدان باز نماند، در عین حال، جلب توجه هم نکند. به یادداشت برداری سریع اطلاعاتی که ممکن است بعداً نتواند آنها را با جزئیات به خاطر آورد، ثبت و ضبط کند. یادداشت‌برداری، اگرچه جزئی از فرایند تحقیق میدانی است، اما به هیچ وجه جای مشاهده مشارکتی را نمی‌گیرد.

۲. یادداشت‌های توأم با مشاهده مستقیم: یادداشت‌هایی که محقق بلافاصله پس از ترک میدان به رشته تحریر در می‌آورد. این یادداشت‌ها، باید براساس زمان، تاریخ و مکان ورود تنظیم شوند. این دسته یادداشت‌ها، توصیفات نسبتاً دقیق و مفصلی هستند از آنچه محقق مستقیماً دیده، شنیده و لمس کرده است.

۳. یادداشت‌های مبتنی بر استنباط محقق: یک محقق میدانی از این جهت، به گفته‌های افراد در میدان تحقیق گوش فرا می‌دهد، تا به درون آنها نفوذ کند. این امر مستلزم فرایند سه مرحله‌ای است: الف. محقق گوش می‌دهد بی‌آنکه از مقولات تحلیلی استفاده کند؛ ب. محقق آنچه را که شنیده با شنیده‌های دیگر یا گفته‌های افراد دیگر مقایسه می‌کند؛ ج. محقق ممکن است از شم تفسیری خود استفاده کند، تا به استنباط و فهم آنچه معنا می‌دهد، نائل آید. ما معمولاً در تعاملات عادی، هر یک از این سه مرحله را به طور همزمان انجام می‌دهیم و سریعاً به مرحله استنباط‌های شخصی خود جهش می‌کنیم. محقق میدانی، باید چگونگی مشاهده و گوش دادن را یاد بگیرد، بدون آنکه به استنتاج یا تحمیل تفسیری خاص روی آورد. محقق باید استنباطات شخصی خود را در موضعی جداگانه ثبت و ضبط کند. محقق میدانی، هیچ‌گاه روابط اجتماعی، احساسات و معانی (مثل عشق و خشم) را نمی‌بیند. او صرفاً اعمال فیزیکی خاصی را می‌بیند و کلماتی را می‌شنود، اما پس از آن، از دانش فرهنگی پیشین خود، سرخ‌های محیط و از آنچه گفته شده یا انجام شده، استفاده می‌کند تا به دریافت معنای اجتماعی آنها نایل آید.

۴. یادداشت‌های تحلیلی: محقق میدانی ایده‌های روش‌شناختی خود را در ضمن یادداشت‌های تحلیلی برای ثبت برنامه، تاکتیک‌ها و تصمیمات اخلاقی روشمند حفظ کرده و مورد استفاده قرار می‌دهد. در تحقیق میدانی، نظریه در ضمن گردآوری داده‌ها، اجمالاً ظهور یافته و به هنگام بازنگری یادداشت‌های گردآوری شده از میدان توسط محقق، شفافیت می‌یابد. یادداشت‌های تحلیلی بخشی از یادداشت‌های نظری، برای دستیابی به نظریه هستند. محقق بدین وسیله امکان می‌یابد تا ایده‌ها را به صورتی ژرف تشریح کرده، آنها را در پرتو یافته‌های بعدی در میدان بسط دهد و در ضمن، دوباره و چند باره خواندن یادداشت‌ها و اندیشه و تأمل کافی درباره آنها، به اصلاح و بسط نظریه‌ای پیچیده‌تر توفیق می‌یابد (ر.ک: نیومن، ۱۹۹۷، ص ۳۶۵-۳۶۶).

البته یادداشت‌ها، قطع نظر از نوع طبقه‌بندی آنها، اجزای اصلی تحقیق‌اند. اگر یادداشت‌ها دقیق و سنجیده نوشته شده باشند، قطعاً حاصل نهایی تحقیق بهتر از کار در خواهد آید. نظم و ترتیب یادداشت‌ها، این امر را تسهیل می‌کند. پس از گردآوری و تنظیم کلیه اطلاعات، نوبت به تحلیل آنها می‌رسد. در مطالعه میدانی که یادداشت‌ها مخزن اطلاعات‌اند، طرح درک معنای داده‌ها، باید دقیقاً ساخت یافته باشد. از آنجا که تحقیقات میدانی، بسیار متنوع‌اند فقط رهنمودی کلی می‌توان ارائه کرد. فراموش نکنید که وظیفه تحلیل، نظم بخشیدن به یادداشت‌های پراکنده، جدا کردن مضامین اصلی تحقیق و ارائه آنها در قالب اثری مکتوب است. همچنین، باید در نظر داشت که کار میدانی در بلند پروازانه‌ترین وجه خود، احتمالاً نظریه‌پردازی است. اگر در مشاهده فعالیت‌ها، به الگوهای دست یابید، بعید نیست به تبیینی نائل آمده، نظریه‌ای خلق کنید، یا مورد تأیید قرار دهید (آل بیکر، ۱۳۷۷، ص ۲۹۴).

روایی و پایایی (Validity/Reliability)

مطالعات میدانی، احتمالاً در مقایسه با سایر مطالعات، معتبرترین نوع مطالعات اجتماعی محسوب می‌شوند؛ زیرا عملاً در میدان تحقیق و با هدف کشف معانی حقیقی محیط اجتماعی و درون مایه‌های آن صورت می‌گیرند. از انواع وسایل ممکن سنجش در آنها استفاده می‌شود، و به جای ارائه تعریف مفاهیم به صورت انتزاعی، عموماً به بیان مثال‌ها، نمونه‌های واقعی و شواهد عینی مفصل پرداخته می‌شود. در عین حال، این نوع مطالعه، به رغم اتقان از حیث پایایی موقعیت چندان قابل دفاعی ندارد و در این ارتباط، بحث‌ها و گفت‌وگوهای زیادی میان اهل نظر مطرح شده است. دلیل این کاستی، این است که پژوهش میدانی منحصر به فرد بوده و غالباً تکرار آن در شرایط مختلف و توسط محققان، دارای رویکردهای تفسیری متفاوت، دشوار یا غیرممکن است.

بی‌شک، نظریه‌ها، پیش‌فرض‌ها، تجربه‌ها، عواطف و احساسات، و گرایش‌های محقق در مطالعاتش انعکاس یافته و به محصول و نتیجه کار او، رنگ و جهت خاص می‌بخشد. از این رو، پژوهشگر میدانی باید همواره باورها، ذهنیات، علایق، جهت‌گیری‌ها، امکانات و محدودیت‌های خود را آگاهانه و دقیق بازبینی کرده، تا حد امکان دخالت آنها را در روند پژوهش و احیاناً تأثیرات میدان بر خود را رصد و کنترل کند و بدین وسیله، ضریب اطمینان به نتایج

تحقیق را ارتقا بخشد. در هر حال، آنچه در بحث پایایی مورد توجه است، اینکه تکرار یک مطالعه میدانی به رغم اعمال همه ملاحظات و دقت‌ها و کنترل شرایط و اوضاع، حتی اگر توسط همان محقق صورت پذیرد، به احتمال زیاد به نتایج متفاوت از نتایج پیشین منتهی خواهد شد. به عبارت دیگر، تکرارپذیری این نوع مطالعات، در مقایسه با مطالعات کمی از نصاب پایینی برخوردار است.

براین اساس، پایایی یعنی اثبات اینکه مشاهدات محقق درباره یک عنصر، یا یک رویداد در میدان به لحاظ درونی و بیرونی انسجام دارد. منظور از «انسجام درونی» این است که اطلاعات برآمده از داده‌های مربوط به یک شخص یا رویداد، منطبق با واقع بوده، مورد پذیرش می‌باشند. انسجام بیرونی، حاصل ارزیابی و مقایسه مشاهدات محقق با سایر منابع متنوع داده‌هاست. آیا دیگران می‌توانند، صحت آنچه محقق در مورد یک شخص یا یک رویداد مشاهده و ادعا می‌کند، ارزیابی کنند؟ آیا شواهد دیگر نیز مشاهدات و دعوای محقق را تأیید می‌کنند؟

البته، دعوای محقق میدانی تا حد زیاد وابسته به اطلاعاتی است که افراد و اعضای گروه هدف، در اختیار او می‌گذارند. از این رو، میزان اعتماد و اطمینان به اعضا و نظرات آنها، بخشی از پایایی را تشکیل می‌دهد. محقق میدانی، همچنین برای ارزیابی میزان اعتبار گفته‌های افراد مورد مطالعه، باید هم ذهنیت و هم محیط عینی آنها را توأمان در نظر بگیرد. بی‌اعتمادی اعضا به محقق، دادن اطلاعات غلط، دروغ، مبهم یا سوء برداشت و تفسیر محقق و نظایر آن، از جمله موانع دستیابی به پایایی شمرده می‌شوند.

روایی و اعتبار در تحقیق میدانی؛ یعنی اطمینان به اینکه اطلاعات و تحلیل‌های محقق دقیقاً نمایانگر جهان واقعی‌اند. به بیان دیگر، محقق دقیقاً به مطالعه چیزی پرداخته که در جست‌وجوی آن بوده است. از دید برخی روش‌شناسان، چهار نوع روایی برای سنجش میزان دقت تحقیق میدانی وجود دارد: اکولوژیکی، تاریخ طبیعی، قابلیت اعتماد اعضا و اجرای درونی مناسب: ۱. روایی اکولوژیکی: بر پایه این نوع روایی، یک مطالعه میدانی در صورتی معتبر است که گزارشات توصیفی محقق از میدان و افراد مورد مطالعه تا حد زیاد با واقعیت همخوانی داشته باشد. به بیان دیگر، محیط اجتماعی مورد مطالعه تحت تأثیر حضور محقق و یا به کارگیری روش‌های خاص (مثل استفاده از دوربین و...) دست‌خوش تغییر نشده باشد. ۲. تاریخ طبیعی: بر پایه این نوع روایی، یک مطالعه میدانی در صورتی معتبر است که یک ناظر طبیعی [افراد عادی ساکن] نیز اعمال و یافته‌ها و دعوای محقق را مورد تأیید قرار دهد؛ ۳. قابلیت اعتبار اعضا: بر اساس این نوع روایی، یک مطالعه میدانی در صورتی معتبر است که گروه هدف، به درستی و متناسب با هدف مطالعه انتخاب شده باشد و محقق قادر به درک زبان، رفتارها، تعاملات و جهان ذهنی و عینی آنها باشد. افراد نیز بدون هیچ‌گونه حساسیتی با محقق همکاری کنند؛ ۴. اجرای درونی مناسب: بر اساس این نوع روایی، یک مطالعه میدانی در صورتی معتبر است که روند مطالعه به درستی و با رعایت مراحل مختلف و با هدف کشف و شناسایی همه جزئیات مورد نظر، به انجام رسد (ر.ک: بارسل، ۱۹۸۹، ص ۳۶۸-۳۶۹).

نکات دیگری نیز در خصوص اعتبار و پایایی مطالعه میدانی قابل گفت‌وگوست که در بحث ویژگی‌ها و مزایا معایب و کاستی‌های این روش مورد توجه قرار خواهد گرفت.

اهداف مطالعه میدانی

انجام مطالعه میدانی نیز در راستای تأمین اهدافی صورت می‌گیرد که اهم آنها عبارتند از:

- کشف یا توصیف یک محیط فرهنگی اجتماعی، با همه عناصر و پدیده‌های انسانی و فیزیکی موجود در آن؛
ارتباطات درونی و نیز علل و آثار آنها؛

- استنباط و استنتاج فرضیه‌های محتمل، از رهگذر مطالعه یا آزمون فرضیه‌های پیشین؛

- کشف معانی آشکار و پنهان عناصر فرهنگی محیط: اعمال و کنش‌ها، نظام‌های اعتقادی، نظام‌های ارزشی، قواعد و رسوم اجتماعی، روابط و تعاملات اجتماعی، نمادها و نشانه‌ها و...؛

- ارائه تصویری منظم و همه‌جانبه از ساختارها، نهادها و سازمان‌های اجتماعی، یا توصیف ارکان و عناصر
رکنی محیط مطالعه؛

- به دست دادن توصیفی جامع از سبک زندگی و الگوهای زیست متعارف مردم ساکن در یک منطقه (ر.ک:
ازکیا و دربان آستانه، ۱۳۸۲، ص ۳۶۲).

مراحل انجام تحقیق میدانی

مراحل انجام تحقیق میدانی به ترتیب عبارتند از:

- آماده شدن محقق، خواندن نگاهشده‌ها و ادبیات تحقیق (یا بررسی اسناد، نقشه‌ها و مطالعات محتمل پیشین)؛

- انتخاب موضوع و مسئله تحقیق؛

- تهیه طرح تحقیق (و تعیین استراتژی‌های پژوهش)؛

- انتخاب میدان، مکان و قلمرو مناسب با جامعه و نمونه مورد نظر؛

- تعیین ابزارهای مشاهده و گردآوری داده‌ها و روش‌های مناسب برای مطالعه قلمرو مورد نظر؛

- ورود به میدان، شروع مشاهده، برقراری ارتباط با گروه هدف و عناصر محیط

- گردآوری اطلاعات و ثبت و ضبط دقیق مشاهدات و یافته‌های کیفی؛

- تجزیه و تحلیل داده‌ها، طرح فرضیه‌ها در ضمن مطالعه و آزمون آنها؛

- به پایان رساندن حضور در میدان و ترک محیط؛

- تکمیل تحلیل‌ها و تنظیم گزارش نهایی تحقیق؛

- گزینش اطلاعات قابل انتشار (ر.ک: نویمان، ۱۹۹۷، ص ۳۴۹؛ آل بیکر، ۱۳۷۷، ص ۲۷۸-۲۷۹).

مزایا و معایب تحقیق میدانی

الف. مزایا

ویژگی‌ها و مزایای تحقیق میدانی عبارتند از:

- انتخابی بودن محیط و میدان مطالعه متناسب با انگیزه‌ها و اهداف پژوهش؛
- مطالعه افراد و روندهای معمول زندگی روزمره آنها در زیست‌گاه طبیعی‌شان؛
- دسترسی مستقیم به پدیده‌های اجتماعی مورد مطالعه؛
- مناسب‌ترین راه برای کشف و استنباط اطلاعات مورد نیاز از متن واقع و درک عمیق و راستین محیط؛
- امکان‌یابی کسب اطلاعات، به روش‌های کیفی؛
- اطمینان بالا به بروز بودن و نو بودن اطلاعات به دست آمده؛
- مطالعه محیط به عنوان یک کلیت یکپارچه و طبیعی نه گزینش بخش‌هایی از آن و در عین حال، امکان دستیابی به جزئیات منحصربه فرد در هر بخش؛
- امکان راه‌یابی به سطوح پنهان واقعیت و نفوذ به ذهن و ضمیر افراد هدف؛
- امکان‌یابی ارائه نمونه‌ها و شواهد عینی به جای ارائه تعاریف انتزاعی از مفاهیم؛
- قابلیت تعمیم اجمالی نتایج به موارد مشابه؛
- امکان استنباط فرضیه‌ها و آزمون فرضیه‌های پیشین و در نهایت، دستیابی به نظریه و نظریه‌سازی، در ضمن گردآوری داده‌ها: تلاش برای کشف معنای حقیقی اعمال فرهنگی، نظام‌های اعتقادی، رسم‌های اجتماعی، محرمات (تابوهای) گروهی از مردم و... خود مستلزم چیزی بیش از توانایی و مهارت توصیف خوب بوده و مستلزم ساختن نظریه به طور استقرایی است (آل‌بیکر، ۱۳۷۷، ص ۲۷۷).
- محدود بودن نسبی قلمرو تحقیق و امکان احاطه بر آن؛
- عدم امکان دخالت در محیط؛
- امکان‌یابی مطالعه افراد ناتوان از بیان وضعیت خویش مثل کودکان، بیماران روانی و افرادی که به هر دلیل مایل به بیان وضعیت خود نیستند؛
- امکان‌یابی تولید داده‌ها به شکل یادداشت‌های مفصل، همراه با طراحی نمودارها، نقشه‌ها و امکان تهیه عکس و فیلم برای توصیف‌های بسیار دقیق عناصر محیط؛
- میزان بالای دقت و موشکافی به دلیل تمرکز، محدود بودن قلمرو، مشخص بودن سؤالات و فرضیه‌ها، رؤیاری مستقیم با پدیده‌ها؛
- انعطاف‌پذیری بالا؛
- عدم الزام به استفاده از ابزارها و تکنیک‌های معین (مثل تحقیقات پیمایشی)؛

- امکان مخفی ماندن محقق یا مشارکت آشکار او در فرایند پژوهش؛

- تأثیر تحقیق میدانی بر هویت و جهان بینی محقق؛ شخصیت محقق ممکن است به واسطه تجربه‌های ناشی از تعامل در میدان دستخوش تغییر گردد.

ب. معایب و کاستی‌ها

معایب و ضعف‌های تحقیق میدانی عبارتند:

- ابتدای زیاد بر ویژگی‌ها، علایق، اطلاعات، تجربه‌ها، روابط و توانمندی‌های محقق؛

- لزوم آشنایی هر چند اجمالی پیشین محقق، با محیط و در عین حال، آشنایی‌زدایی از اندوخته‌های نظری و تجربی خود؛ هر حال، فاصله نزدیک و دور محقق، با عناصر میدان، هر دو می‌تواند مشکلاتی را در روند مطالعه موجب می‌شود. به بیان نجمیاس، در جاهایی که مشاهده‌کنندگان، با افراد گروه صمیمی‌اند و به این ترتیب، دسترسی آسان دارند، باید راه‌هایی برای فاصله گرفتن پیدا کنند. بر عکس، مشاهده‌کنندگانی که با محل پژوهش بیگانه‌اند و ممکن است ورود سخت‌تری در بین اعضای گروه داشته باشند، پس از وارد شدن به مکان پژوهش، احتیاج به کم کردن فاصله دارند. هنگامی که پژوهشگر فاصله را بسیار تقلیل می‌دهد، احتمال «بومی شدن» بالا می‌رود، پژوهشگرانی که «بومی می‌شوند»، شیوه زندگی گروه مورد مطالعه در آنها نهادی و عادت می‌شود و سایر افراد بی طرف محسوب نمی‌شوند. بدین ترتیب، یافته‌های طرح پژوهشی خدشه‌دار می‌شوند. برخی پژوهشگران، تا بدانجا پیش می‌روند که طرح‌های پژوهشی را کنار گذارده، به منعکس کردن گروه انتخابی خود روی می‌آورند. با وجود این، اگر پژوهشگر فاصله زیادی را نیز اعمال کند، قادر به فهم کامل و یا احساس همدلی با گروه مورد مطالعه نخواهد بود (نجمیاس، ۱۳۸۱، ص ۴۱۲).

- ورود کنجکاوانه به حریم خصوصی و شخصی افراد مورد مطالعه؛ به ویژه در جایی که محقق به دلایلی، هویت، نقش، انگیزه و هدف خود را پیشاپیش برای افراد مورد مطالعه معلوم نکرده باشد؛

- وجود موانع محتمل در برقراری ارتباط با محیط، شناخت افراد و پدیده‌های فرهنگی مورد مطالعه، به ویژه در جایی که محقق با فضای فرهنگی جامعه مورد مطالعه آشنایی کافی نداشته، باشد و برخی باورها و رفتارها از نظر او عجیب، غیرمنتظره و بی‌معنا بنماید. از این رو، هر نوع ناهمنوایی بالقوه، می‌تواند در روند مطالعه اختلال ایجاد کند. برای نمونه، اگر جنسیت، سن، نژاد، قومیت، مذهب و زبان مشاهده‌کنندگان، با افراد مورد مطالعه متفاوت باشد، ممکن است موانع جدی در دسترسی به افراد و ارتباط با آنها به وجود آید (رک: همان).

- احتمال سوگیری در تفسیر پدیده‌های محیطی، تحت تأثیر پنداشت‌ها، گرایش‌ها، تجربه‌ها، خاطرات و برخی ویژگی‌های شخصی محقق. به بیان برخی روش‌شناسان، محقق نمی‌تواند کاملاً بی طرف باشد. البته باید بکوشد موقعیت دیگران را انگار که خود در آن موقعیت است، عمیقاً حس کند تا بتواند وارد دنیای دیگران گردد و دنیایشان

را از دید خود آنها بنگرد. هر چند باید مراقب باشد آن قدر هم درگیر نشود که کاملاً مانند افراد بومی شده، قادر به حفظ عینیت و بی‌طرفی خود نباشد. در واقع، باید بتوان به بی‌طرفی متعادلی دست یافت (ال بیکر، ۱۳۷۷، ص ۲۷۹؛ مک نیل، ۱۳۷۶، ص ۹۴).

- احتمال بروز اخلال و تغییر در روند طبیعی امور، اوضاع و شرایط محیط، وضعیت گروه هدف و...؛
- احتمال وقوع تحریف و تغییر برخی اطلاعات به دلیل فاصله میان دریافت و به خاطر سپاری اطلاعات، با ثبت و کتابت آنها؛
- خطرات جانی و حیثیتی و نگرانی‌های محتمل در مطالعه برخی محیط‌ها، گروه‌ها و رفتارها یا خطرات متعاقب ناشی از انتشار برخی مطالعات میدانی؛
- پرزحمت، وقت‌گیر و مستلزم هزینه‌های روحی، جسمی و مادی نسبتاً قابل توجه. برخی روش‌شناسان، در پیچیدگی و صعوبت پژوهش میدانی و مشکلات ناشی از آن برآند که «به یقین کار میدانی باید در شمار فعالیت‌های نامطلوبی قرار گیرد که انسانیت برای خود به وجود آورده است» (ببی، ص ۳۸۱ و ۵۹۸).
- عدم امکان بهره‌گیری از آن در محیط‌ها و جمعیت‌های گسترده؛
- محدودیت در قابلیت تکرارپذیری و بازسنجی توصیف‌ها و نتیجه‌گیری‌ها؛
- محدودیت دآوری در خصوص میزان واقع‌نمایی، یا بازنمایی نمونه اخذ شده از محیط اجتماعی، یا مردم مورد بررسی با جامعه کل؛
- مشکل نمونه‌گیری و انتخاب نمونه، گویا و معرف از افراد، رفتارهای قابل مشاهده، فرایندها، عناصر و پدیده‌ها و اوضاع و احوال محیط؛
- محدودیت ناشی از تعمیم نتایج حاصل از مطالعات انجام شده (به روش کیفی)، به سایر حوزه‌های مشابه: «برخی از صاحب‌نظران معتقدند که دستاوردهای تحقیق میدانی را می‌توان به موضوعات نظری تعمیم داد، نه به جامعه یا جمعیت» (از کیا و دربان آستانه، ۱۳۸۲، ص ۳۷۶). برخی نیز بر این باورند که نتایج مطالعات میدانی نیز همچون سایر مطالعات قابلیت تعمیم‌پذیری اجمالی دارند. محقق این نوع مطالعات، بسان پزشکی که هر چند با بیماران خود به صورت افراد مشخص مواجه می‌شود و هر یک را به طور ویژه و جداگانه مورد معاینه قرار می‌دهد، اما در برخورد با هر مورد از همه تجارب به دست آمده در فرایند معاینات طی خود استفاده کرده، نتایج حاصل از معاینات موردی پیشین را به سایر بیمارانی که مشابهنشان با بیماران قبلی احراز شده باشد، تعمیم می‌دهد. روشن است که در اینجا، آنچه حقیقتاً تعمیم یافته، دانش و تجربه حرفه‌ای پزشک است، نه نتیجه مستقیم معاینات انجام شده. البته این نوع تعمیم با تعمیم مورد نظر در نتایج مطالعات پیمایشی و میدانی متفاوت است (ر.ک: ارل بیبی، ص ۵۸۱ و ۵۸۸؛ نیومن ۱۹۹۷، ص ۳۴۶-۳۴۹).

نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه گذشت، نتایج زیر به دست می‌آید:

۱. تحقیق میدانی، مطالعه‌ی مشاهده‌ای محیط‌های اجتماعی واقعی در وضعیت طبیعی است؛
۲. تحقیق میدانی، عموماً بر محیط میدانی منفرد متمرکز است؛
۳. تحقیق میدانی، با روش‌ها و تکنیک‌های پژوهشی خاصی، همچون مشاهده‌ی مشارکتی، مصاحبه، گفت‌وگو، عکس‌برداری و فیلم‌برداری صورت می‌گیرد؛
۴. تحقیق میدانی در محیط‌های میدانی صورت می‌گیرد و به موضوعات عام می‌پردازد. این تحقیق، در محدوده‌ی زمانی معینی انجام می‌گیرد. موضوع این تحقیق، عموماً بر توصیف ویژگی‌های میدان و علل و پیامدهای پدیده‌ها، فرایندها و تعاملات اجتماعی تمرکز دارد؛
۵. پدیده‌های مورد مشاهده در میدان عبارتند از: محیط کلی، مردم و روابطشان، اعمال و فعالیت‌ها، گفت‌وگوها، حالات روانی، خاطرات و سرگذشت‌ها و اشیاء مادی.
۶. محقق پیش از ورود به میدان، باید اطلاعاتی از منابع بیرونی درباره‌ی نوع محیط مورد مطالعه و اطلاعاتی، از منابع داخلی برای راهنمایی درباره‌ی نحوه‌ی تحقق اهداف تحقیق کسب کند؛
۷. محقق میدانی، باید با سعه‌صدر و بدون پیش‌داوری وارد میدان شود. او نباید در محل تحقیق و پیش از اتمام کار، اظهار نظر کند؛
۸. توفیق تحقیق میدانی در گرو برقراری ارتباط متقابل، بین محقق و افراد محیط تحقیق و گروه هدف است؛
۹. مطالبی که در میدان یادداشت می‌شود، عبارتند از: توصیف امور جاری، یادآوری مطالب فراموش شده، اظهار نظر درباره‌ی وضعیت محیط و تفسیر اوضاع آن، احساسات و تأثرات شخصی محقق؛
۱۰. پژوهش میدانی، اگرچه روایی و اعتبار قابل قبولی دارد، اما پایایی و امکان تکرارپذیری آن اندک است. نتایج آن نیز اجمالاً به محیط‌های مشابه قابل تعمیم است؛
۱۱. تحقیق میدانی، همچون سایر انواع تحقیق مزایا و معایبی دارد که در این مقاله مورد اشاره قرار گرفته است.

منابع

- ارل بی، ۱۳۸۱، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه دکتر رضا فاضل، سمت.
- ایمان، محمدمتقی، غفاری نسب، ۱۳۸۵، «اسفندیار، مبانی روش‌شناختی تحقق میدانی و چگونگی انجام آن»، *پژوهش*، ش دوم، ص ۵-۳۰.
- پاتریک مک نیل، ۱۳۷۶، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه محسن ثلاثی، آگاه.
- تزل ال بیکر، ۱۳۷۷، *نحوه انجام تحقیقات اجتماعی*، ترجمه هوشنگ نایی، روشن.
- چاوا فرانکفورد و دیوید نچمپاس، ۱۳۸۱، *روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی*، ترجمه فاضل لاریجانی و رضا فاضلی، سروش.
- مصطفی ازکیا و همکاران، ۱۳۸۲، *روش‌های کاربردی*، ج ۱، تحقیق، کیهان.
- ریمون کیوی و همکاران، ۱۳۷۰، *روش تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، فرهنگ معاصر.
- ریمون بودون، ۱۳۶۹، *روش‌های جامعه‌شناسی*، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- غلامرضا خاکی، ۱۳۷۹، *روش تحقیق در مدیریت*، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی.
- کاترین مارشال و گرچن ب. راس من، ۱۳۷۷، *روش تحقیق کیفی*، ترجمه علی پارسائیان و سید محمد اعرابی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- محمد رضا حافظ نیا، ۱۳۸۱، *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*، تهران، سمت.
- محمدپور، احمد، ۱۳۸۹، *فراروش*، تهران، چ سوم، جامعه‌شناسان.

Barcel, Berg; *Qualitative Research Methods for Social Science*, Boston: Allyn and Bacon. 1989.

Cresswell, John, w; *Research Design: Qualitative and Quantative Approaches*: Sage Publications. 1994.

Neuman, Lawrence W; *Social Research Methods*, Boston: Allyn and Bacon. 1997.